

به نام خدا

دخترای گل متن را بخون و سوال ها را جواب بده:

سال گذشته در فصل تابستان آذر همراه با پدر و مادرش به اصفهان رفته بود. مادرش برای

شام کوکوی لذیذی آماده کرده بود و پدر وسایل لازم را در صندوق ماشین گذاشته بود.

در راه صدای دلپذیر پرنده ها را می شنیدند و از دیدن دشت ها لذت می بردند.

هنگام نماز صدای اذان می آمد ، اُتوبوس در کنار مسجدی ایستاد ، آن ها به مسجد رفتند و

نماز خواندند.

خانواده ی آذر یک هفته در شهر اصفهان ماندند ، در این یک سفر به آن ها خیلی خوش

گذشت.

روز های خوش آن مسافرت هنوز در ذهن آذر مانده است.

او از بازار بزرگ اصفهان دو ذره بین خریده بود که یکی از آن ها را به دوستش آذین

هدیه داد.

آن ها به جاهای دیدنی این شهر مانند : پل خواجه ، چهلستون ، میدان امام ، سی و سه پل

سر زدند و بسیار لذت بردند.

آن ها خوراکی های خوشمزه ای مانند : خورش ماست و بریانی خوردند.

هنگامی که به شهر خودشان برگشتند آذر همه ی آنچه در سفر گذشته بود را در دفترش

نوشت که فراموش نکند.

آذر با چه کسانی به سفر رفت؟



خانواده ی آذر با چه وسیله ای مسافرت کردند؟



چند جای دیدنی در اصفهان را بنویس.



چند خوراکی که آذر در اصفهان خورده بود را بنویس.



خانواده ی آذر چقدر در سفر بودند؟



شامِ روزی که تازه می خواستند سفر را شروع کنند چه بود؟



در راه از چه چیزهایی لذت می بردند؟



آذر از اصفهان چه کادویی برای دوستش خرید؟



آذر برای اینکه خاطره ی سفر را فراموش نکند چه کرد؟



نامی برای داستان انتخاب کن.

